

فرهیختگان

فرهیختگان، آيا ساحت سياست در ايران به اين اندازه پيچيده شده که رهبران جريان اصلاحات را در اصلی‌ترين کنش سياسی دچار سردرگمی کند يا اينکه مجموعه تصميماتی منجر به غلبان چنين وضعيتی در اردوگاه اصلاح طلبی شده است؟ فردا (جمعه) درحالی سيزدهمين دوره انتخابات رياست جمهوری در سراسر کشور برگزار می شود که هنوز جريان اصلاح طلب نتوانسته تکليف خود را با اين انتخابات تعيين کند و حتی اين بلاتکليفی را نيز به بدنه خود تزييق کرده است. «نهاد اجماع ساز اصلاح طلبان» (ناسا) که با هدف سروسامان دادن به اصلاح طلبان برای انتخابات رياست جمهوری شکل گرفت، دوشنبه شب و پس از برگزاری یک نظرسنجی در ۱۲ استان تشکيل جلسه داد تا با استناد به نظرسنجی ای که صحت آن قابل تشکيل است، درباره حمايت يا عدم حمايت از یک کانديدای اصلاح طلب تصميم بگيرد. اين جلسه برگزار شد اما هيچ کانديدایی نتوانست آرای لازم را کسب کند و تلاش های پس از آن نيز برای اعلام حمايت راه به جایی نبرد تا اصلاح طلبان همچون انتخابات مجلس يازدهم، ورود رسمی به انتخابات نداشته باشند. اگرچه جريان اصلاحات محوريت ستادهای عبدالناصر همتی و محسن مهرعليزاده را برعهده داشت و حتی تندترين طيف اين جريان، در ستاد مهرعليزاده مشغول بيانيه نويسی برای مناظره ها بودند اما بر پايه رای نهاد اجماع ساز، اصلاح طلبان به جمع بندی برای حمايت از یکی از دو کاندیدا نرسيدند تا زمره هائی درباره طغيان طيفی از جبهه اصلاحات عليه طيف ديگر به گوش برسد؛ طيفی که اکنون در قالب عنوانی به نام «ائتلاف جمهور» و متشکل از ۹ حزب و ۶ جمعيت و تشککل اصلاح طلب به ميدان آمد و در بيانيه اش اعلام کرد به عبدالناصر همتی رای می دهد. البته تنها اين احزاب نبودند که عليه ناسا شوريدند؛ پيش از آنها بهژاد نبوی رئيس نهاد اجماع ساز که حاضر به حمايت از

گفت و گو

محمد پروازی، عضو شورای مرکزی مجمع اينثارگران اصلاح طلب در گفت وگو با «فرهیختگان» به بررسی آخرين وضعيت جبهه اصلاحات در آستانه سيزدهمين دوره انتخابات رياست جمهوری و برخی اختلاف نظرها در اين جناح سياسی پرداخت که مشروح آن در ادامه آمده است.

۱۱۱

با توجه به اینکه پس از جلسه نهاد اجماع ساز که اصلاح طلبان نتوانستند به یک کانديدای واحد برسند، محسن مهرعليزاده از ادامه رقابت انصراف داد، تحليل شما از اين اتفاقات در جبهه اصلاح طلبی چیست؟

همه به خوبی می دانند در جبهه اصلاح طلبی چه اتفاقی افتاده است؛ نبوی و کروبی در یک طرف ايستاده و خاتمی و سيدحسن خمینی و ميرحسين موسوی یک سمت ديگر ايستادند، بنابراين اين صحنه آرایي نمازمنذ توصيف نيست و همه می بينند وقتی که سروش می گوید رای بدهيد، يعنی وضعيت فعلی یک داستان پيچيده است.

جماعتی که می گويند رای بدهيد دو دسته هستند؛ برخی از آنها می گويند به فلاتی رای بدهيد، برخی از آنها نيز می گويند ما کاندیدا نداريم، لذا اين موضوعات بيشتر مردم را دچار سردرگمی می کند و آنها قاعدتا می خواهند سردمداران جريان اصلاحات صحبت کنند تا تکليف شان مشخص شود.

يعنی مواضع خاتمی مبنی بر رای دادن و مشارکت در انتخابات برای اصلاح طلبان حجت نيست؟

اگر اين طور باشد آيا حرف ميرحسين موسوی که ۱۰ سال در حصر است برای اصلاح طلبان حجت نيست که می گويد من رای نمی دهم يا حرف بهژاد نبوی که عمری را در مبارزات چریکی و زندان بوده و می گوید رای بدهيد، حجت نيست؟ از نسوی

گفت و گو

فرهیختگان

کانديدایی نشد، در ويدئویی از مردم خواست در انتخابات شرکت کنند. ماجرای کنش اصلاح طلبان در انتخابات از ديروز شکل جالب تری به خود گرفت. بامداد چهارشنبه (حوالی ساعت ۴ صبح) محسن مهرعليزاده که قرار بود دولتش «دولت سوم خاتمی» باشد، با حد اکثر یک درصد آراء، از کاندیدا توری انصراف داد. او در نامه دست نويسش به نفع کسی از ادامه رقابت انصراف نداده اما جالب اينجاست که پس از اين انصراف، سيد محمد خاتمی، محمد علی ابطعی و بهژاد نبوی از او تشکر کردند. خاتمی در پيام خود نوشت: «اقدام مسئولانه و فدا کارانه شما در انصراف از نامزدی رياست جمهوری، شايسته تقدير فراوان است، و موجب خواهد شد کسانی که می خواهند رأی بدهند و در عين حال تسليم عرصه ای نشوند که یک جريان اقليت خواست خود را به هر قيمت بر جامعه تحميل کند، آرای شان شکسته و تقسيم نشود.» خاتمی نگران شکست و تقسيم آرا شده است اما با اين حال حاضر نشده حتی نامی از عبدالناصر همتی بياورد. او اکنون درگير بلاتکليفی و تذبذب است. از یک سو نهاد اجماع ساز اصلاح طلبان به دليل تصميمش، دوباره شده و خاتمی نيز نمی تواند براساس آنچه خرد جمعی خوانده می شود، صریحا از همتی حمايت کند. در سوی ديگر او قصد دارد همچنان در سيستم بماند و همچون طيف چپ که حامی عبور از صندوق رای است، عمل نکند. از او صريح تر رئيس ناسا يعني بهژاد نبوی پس از ناکامی در همراه کردن طيف چپ اصلاحات برای حمايت از همتی، در پيامی نوشت: «اينجانب، بعد از انصراف مسئوليت شناسانه ايشان از نامزدی، به برادر گرامی جناب آقای دکتر عبدالناصر همتی رای خواهم داد. «اين شکل از کنشگری به خوبی به هم ريختگی درون اصلاحات را به نمايش می گذارد که از یک سو خاتمی برای احترام به تصميم نهاد اجماع ساز نامی از کانديدایی نمی آورد و در سوی ديگر رئيس همان نهاد

اصلاح طلبان از همتی هم حمايت کردند هم حمايت نکردند

استراتژی تکراری برای ماندن

صراحتا از رای به همتی می گوید. نکته جالب اينجاست که درسوی ديگر اين ميدان سيدحسن خمینی که خود را در طيف اصلاح طلب جانمایی کرده هم حاضر به حمايت صريح از همتی نشده و تنها به اين نکته اشاره کرده که «یکی از راه های حفظ جمهوريت نظام، دادن «رأی صحيح» است.» عدم ذکر نام همتی البته یک دليل ديگر نيز دارد و آن آگاهی از وضعيت او در نظرسنجی ها است. جدا از نظرسنجی رويابی دخلی اصلاح طلبان، نظرسنجی های ملی آرای همتی را کمتر از ۵ درصد تخمين زده اند و اين نشان می دهد نام بردن از او به صراحت می تواند هزينه شکست را به سيد اصلاح طلبان و اريز کند. مجموع اين شرايط نشان می دهد ساحت سياست آتقدها پيچيده نشده که اصلاح طلبان دچار چنين سردرگمی ای باشند؛ به نظر وضع امروز آنها بی ارتباط با مجموعه تصميمات شان در سال های گذشته نيست.

ضربه نيابتي

اگر اصلاح طلبان در سال ۹۲ برای بازگشت به قدرت حاضر به تکمين در برابر نامزد پوششی نمی شدند، اين احتمال وجود داشت که دولت سر کار آمده، نتواند به توافق برجام دست پيدا کند و اين بهترين فرصت برای اصلاح طلبان بود تا سال ۹۶ از ظرفيت منفی دولت مستقر استفاده کنند و با کانديدای اصلی خود به ميدان بيايند و پيروز انتخابات شوند. اما کک قدرت در سال ۹۲ به جان اصلاح طلبان افتاده بود و بر همين اساس خاتمی در نامه ای به عارف، خواستار انصراف او از انتخابات رياست جمهوری شد. آنها حاضر به همکاری در قمار حسن روحانی شدند اما مساله اينجا بود که روحانی سرمايه ای برای اين قمار نداشت. اين سرمايه که بدنه اجتماعی اصلاح طلبان بود، توسط خاتمی در اختيار روحانی

فرهیختگان

عضو شورای مرکزی مجمع اينثارگران اصلاح طلب در گفت وگو با «فرهیختگان»:

اصلاح طلبان از ترس شکست کانديدای خود را مشخصا اعلام نکردند

فرار گذاشته اند. ما در حال حاضر سه موضع داريم؛ تحریم، شرکت يا حدوسط؛ اينکه شرکت کنیم اما نگويم به چه کسی رای دهيم يعنی خودتان تشخيص بدهيد يا سفيد رای بدهيد يا به هرکس که خودتان دوست داريد، اما اين حالت دل بخواهی بايد روشن شود.

مرعشی نيز گفت همتی کانديدای پنهان ماست.

به نظر می رسد فرمايش مرعشی درست نيست؛ چرا که جبهه اصلاح طلبان اين موضوع را تايبه نمی کند که او کانديدای پنهان ما بود. اين موضوع يعنی او کانديدای ماست اما از نظر شورای نگهبان پنهان نگه داشته بوديم، آيا اين موضوع در جمع نهاد اجماع ساز قابل دفاع بوده است؟ اتفاقی اس از اين صحبت مرعشی، منصوری سخنگوی اصلاح طلبان اين موضوع را تکذيب کرد و گفت اين گونه نيست.

اصلاح طلبان برای حمايت از یک گزینه به جمع بندی نرسيده اند.

بله، همين طور است اما آنها برای اينکه مردم را تحريك کنند تا رای بدهند اين حرف را می زنند و از نسوی ديگر فردی که سخنگویی ۵۲مجموعه را برعهده دارد مواضعش فنی تر خواهد شد تا یک نفر از اين ۵۲ نفر، بنابراين نکته اصلی صحبت منصوری بود که عصاره تکرار آن ۵۲ اصلاح طلب را گفت اما مرعشی تفکرات خود را مطرح کرد. به نظر بنده مقابل اين صحبت مرعشی بايد یک پراترژ باز کرد و نام کارگزاران را در آن نوشت.

يادداشت

۱ برخلاف تلقی برخی، انتخابات حداقل در معنای مورد نظر آن در دیدگاه انقلابی و منظومه آرای امام و رهبری، موعود زمین زدن رقیب و غلبه اراده سیاسی یک حزب، یک گروه یا یک فرد بر دیگران نیست؛ انتخابات محملی است برای مشارکت سیاسی آحاد جامعه و خروجی آن قبل از هر چیز، همبستگی و انسجام ملی در مسیر تحقق منافع ملی است. انتخاباتی که جامعه را چندپاره و گسسته کند، حتی در فرض درصد بالای مشارکت، برنده ای نخواهد داشت. بذر این انسجام یا خدای نا کرده افتراق و گسست، در روزهای رقابت انتخاباتی پاشیده می شود. اگر نامزدها و به تبع آنها هواداران و حامیان شان، در فضای رقابت نتوانند چارچوب و مرزهای رقابت سالم و هم افزا را تشخیص دهند، یقینا انتخابات از معنا تهی خواهد شد. تخریب، تحقیر، تمسخر، اتهام زنی و سیاه نمایی، هرچند ممکن است مینرانی از آراء را به سود یا ضرر نامزدی جابه جا کند، اما مهم تر از آن، بنیان های اتحاد، یکزنگی و انسجام جامعه را لرزاند و سست می کند.

۲ انتخابات نقطه پایان نیست. اختلاف نظر ها می توانند در یک انتخابات حل و فصل شوند یا یک انتخابات به وجود بیایند، اما قرار نیست در پس هر انتخابات، گسل های اجتماعی شکل گرفته یا عمیق تر شوند. فلسفه وجودی انتخابات، حل اختلافات سیاسی نیست، بلکه حیات در سایه وجود همه اختلافات و تفاوت در دیدگاه ها ذیل یک هویت مشترک و معتبر است.

۳ مساله انتخاب اصلح و انتخاب درست، در عین اهمیت و اولویت بر بسیاری از مسائل، در نگاه امامین انقلاب در عین اهمیت، فرع بر انتخابات پرشور و مشارکت سیاسی آحاد جامعه دانسته شده است. باور به چنین امر مهم و التزام به لوازم آن، ضرورت های مهمی را بر رفتار باز یگران مختلف عرصه انتخابات ایجاد می کند. مهم ترین این ضرورت ها، رقابت در سایه صیانت از منافع ملی، توجه به دغدغه های اساسی مردم و احترام به دیدگاه های قیاست.

۴ طرفداری از یک نامزد، پافشاری بر آن، حتی اگر شکل افراطی به خود بگیرد، مادامی که در صورت گفت و شنود است و به پنجه کشیدن به صورت یکدیگر ختم نشده، جزء لاینفک شور انتخابات است. قرار نیست

تحریم انتخابات مرگ یک جريان سياسی است

یک نکته که درباره استراتژی اصلاح طلبان وجود دارد اين است که اصلاح طلبان چون نمی خواهند شکست را بپذيرند حاضر نيستند به صورت علنی در اين انتخابات نامزد داشته باشند، درست مانند سال ۹۸ که برای انتخابات مجلس نيست ندادند.

چقدر اين موضوع صحت دارد؟

بله، من قائل به اين موضوع هستم، ما اگر به اين نتيجه برسيم که بايد کار فرهنگي و پوسـت اندازی کنیم حضور در عرصه قدرت سخت اين اجازه را به ما نخواهد داد و بايد به سمت قدرت نرم برويم. به اعتقاد من اگر یک حزب تحریم انتخابات را آغاز کند، مرگ خود را امضا کرده است، البته اين مرگ در عرصه قدرت سخت است نه در عرصه قدرت نرم، بنابراين نبايد تحریم انتخابات را کلید زه.

ممکن است در ۲۴ ساعت آینده تصميم اصلاح طلبان تغيير کند؟
مجموعه نهاد اجماع ساز پس از جلسه آخر منحل شد، اما آنها دو اقدام انجام دادند؛ اول اينکه گفته است من کاندیدا ندارم و کسانی که می خواهند به صورت انفرادی کار کنند، مانعی ندانند؛ قبل از همه آنها کروبی و بهژاد نبوی پيام دادند که رای بدهيد، بنابراين از آن نهاد ديگر نکته جديدی خارج نمی شود، اما کسانی که می گويند ما می خواهيم رای دهيم و در رای گیری آن مجموعه نتوانستند اکثريت را کسب کنند، برای خودشان یک مجموعه به نام «اصلاحات جمهوريت» تشکيل خواهند داد و در قالب ۱۵ حزب وارد عرصه خواهند شد و برای همتی تبليغ خواهند کرد. البته در اين ميان روزنامه های اصلاح طلب ديـدند به مشکل برمی خورند لذا برای حفظ اين وضعيت چاره ای نداشتند جز اينکه با رئيسی کنار بيايند و به سمت اورفتند؛ چرا که ديـدند از تنوع فعلی اصلاحات آتشی به پا نمی شود و دودی بلند نخواهد شد، از اين رو طبيعي است که برای ماندن به آن سمت بروند.

چند نکته در باب انتخابات

همه مثل هم فکر کنند و قرار نيست اقناع ديگران در برابر استدلال های منطقی ما، آنها را از تصمیمی که مرکب از مجموعه ای از استدلال ها، تجارب شخصی و گروهی، احساسات و تاثير و تاثيرات مختلف اتخاذ کرده اند، باز بدارد.

۵ در انتخابات پيش رو، دوقطبی اصلی نه ميان اصولگرا و اصلاح طلب و نه ميان عمرو و زيد است؛ دوقطبی اصلی ميان مردم و ضد مردم شکل گرفته است. یک سر اين دوقطبی، دشمنان قسم خورده ملت ايران هستند که در پوشش دروغی دلسوزی برای جمهوريت، مردم را به قهر با صندوق و سرنوشت خود دعوت می کنند. سر ديگر دوقطبی، ملت سلحشور و قهرمان ايران است که در سايه تمام سختی ها، تنگناها، مضيقه ها، تبعيض ها، مفاسد و ناکارآمدی ها، هيچ گاه اجازه تعيين سرنوشت خود را به ديگران نسپرده و به قول ناصر فيض، یک تار موی گريه وطنش را به تمام عالم نخواهد داد. در اين دوقطبی، آنان که با هر روشی مردم را از صندوق رای دور ساخته و اميد آنها به مشارکت در سرنوشت شان را به نحای مختلف به یأس تبديل می کنند، هر که باشند، در سمت دشمنان اين ملت خواهند ايستاد و آنان که با هر لباس و سابقه ای جوانه اين اميد را در دل های مردم زنده نگاه داشته و ميل آنها به سهيم شدن در سرنوشت شان را تقويت کنند، بی ترديد در جبهه متحد ملت ايران قرار خواهند گرفت.

۶ تصميم ماندن يا نماندن نامزدها در صحنه با هر استدلالی، امری است که هيچ گاه از طريق تنش و نزاع ميان هواداران شان به نتيجه نخواهد رسيد. در اين شرايط، وقوع چنين تنش هایی ميان طرفداران نامزدها و تخریب نامزد ديگر برای اثبات نامزد مورد علاقه خود، ثمری جز افزودن ابهام بر فضای کلی انتخابات ندارد؛ ابهامی که ثمره آن بيش از هر چيز، اخويت موضع دشمنان ملت را در سرد کردن تنور انتخابات در پی خواهد داشت. بهتر است به جای چنين نزاع های بيهوده و مخرب، تمرکز اصلی هواداران همه نامزدها بر افزايش مشارکت و تضعيف قطب ضد مردم در دوقطبی اصلی انتخابات باشد.